

اشعیا ایش 52-53

- 13** اینک بنده من با عقل رفتار خواهد کرد و عالی و رفیع و بسیار بلند خواهد شد.
- 14** چنانکه بسیاری از تو در عجب بودند (از آن جهت که منظر او از مردمان و صورت او از بنی آدم بیشتر تباه گردیده بود).
- 15** همچنان بر امت‌های بسیار خواهد پاشید و به سبب او پادشاهان دهان خود را خواهند بست زیرا چیزهایی را که برای ایشان بیان نشده بود خواهند دید و آنچه را که نشنیده بودند خواهند فهمید.
- 1** کیست که خبر ما را تصدیق نموده و کیست که ساعد خداوند بر او منکشف شده باشد؟
- 2** زیرا به حضور وی مثل نهال و مانند ریشه در زمین خشک خواهد رویید. او را نه صورتی و نه جمالی می‌باشد. و چون او را می‌نگریم منظری ندارد که مشتاق او باشیم.
- 3** خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غمها و رنج دیده و مثل کسی که رویها را از او بیوشانند و خوار شده که او را به حساب نیاوردیم.
- 4** لکن او غم‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم.
- 5** و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تأذیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم.
- 6** جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هریکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بروی نهاد.
- 7** او مظلوم شد اما تواضع نموده، دهان خود را نگشود. مثل بره‌ای که برای ذبح می‌برند و مانند گوسفندی که نزد پشم برنده‌اش بی‌زبان است همچنان دهان خود را نگشود.
- 8** از ظلم و از داوری گرفته شد. و از طبقه او که تفکر نمود که او از زمین زندگان منقطع شد و به جهت گناه قوم من مضروب گردید؟
- 9** و قبر او را با شریران تعیین نمودند و بعد از مردنش با دولتمندان. هر چند هیچ ظلم نکرد و در دهان وی حيله‌ای نبود.
- 10** اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده، به دردها مبتلا سازد. چون جان او را قربانی گناه ساخت، آنگاه ذریت خود را خواهد دید و عمر او دراز خواهد شد و مسرت خداوند در دست او میسر خواهد بود.
- 11** ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد. و بنده عادل من به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید زیرا که او گناهان ایشان را بر خویشان حمل خواهد نمود.
- 12** بنابراین او را در میان بزرگان نصیب خواهم داد و غنیمت را با زور آوران تقسیم خواهد نمود، به جهت اینکه جان خود را به مرگ ریخت و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود.

متی ایش 27

- 31** و بعد از آنکه او را استهزا کرده بودند، آن لباس را از وی کنده، جامه خودش را پوشانیدند و او را بجهت مصلوب نمودن بیرون بردند.
- 32** و چون بیرون می‌رفتند، شخصی قیروانی شمعون نام را یافته، او را بجهت بردن صلیب مجبور کردند.
- 33** و چون به موضعی که به جُجُتَا، یعنی کاسه سر مسمی بود رسیدند،
- 34** سرکه ممزوج به مَر بجهت نوشیدن بدو دادند. اما چون چشید، نخواست که بنوشد.
- 35** پس او را مصلوب نموده، رخت او را تقسیم نمودند و بر آنها قرعه انداختند تا آنچه به‌زبان نبی گفته شده بود تمام شود که رخت مرا در میان خود تقسیم کردند و بر لباس من قرعه انداختند.
- 36** و در آنجا به نگاهبانی او نشستند.
- 37** و تقصیر نامه او را نوشته، بالای سرش آویختند که این است عیسی، پادشاه یهود!
- 38** آنگاه دو دزد یکی بر دست راست و دیگری بر چپش با وی مصلوب شدند.
- 39** و راهگذران سرهای خود را جنبانیده، کفر گویان
- 40** می‌گفتند، ای کسی که هیكل را خراب می‌کنی و در سه روز آن را می‌سازی، خود را نجات ده. اگر پسر خدا

هستی، از صلیب فرود بیا!

**41** همچنین نیز رؤسای کهنه با کاتبان و مشایخ استهزاکنان می‌گفتند،

**42** دیگران را نجات داد، اما نمی‌تواند خود را برهاند. اگر پادشاه اسرائیل است، اکنون از صلیب فرود آید تا بدو ایمان آوریم!

**43** بر خدا توکل نمود، اکنون او را نجات دهد، اگر بدو رغبت دارد زیرا گفت، پسر خدا هستم!

**44** و همچنین آن دو دزد نیز که با وی مصلوب بودند، او را دشنام می‌دادند.

**45** و از ساعت ششم تا ساعت نهم، تاریکی تمام زمین را فرو گرفت.

**46** و نزدیک به ساعت نهم، عیسی به آواز بلند صدا زده گفت، ایلی ایلی لَمَا سَبَّوْتَنِي. یعنی الهی الهی مرا چرا ترک کردی.

**47** اما بعضی از حاضرین چون این را شنیدند، گفتند که او الیاس را می‌خواند.

**48** در ساعت یکم آن میان دویده، اسفنجی را گرفت و آن را پُر از سرکه کرده، بر سر نی گذارد و نزد او داشت تا بنوشد.

**49** و دیگران گفتند، بگذار تا ببینیم که آیا الیاس می‌آید او را برهاند.

**50** عیسی باز به آواز بلند صیحه زده، روح را تسلیم نمود.

**51** که ناگاه پرده هیکل از سر تا پا دو پاره شد و زمین متزلزل و سنگها شکافته گردید،

**52** و قبرها گشاده شد و بسیاری از بدنهای مقدّسین که آرامیده بودند برخاستند،

**53** و بعد از برخاستن وی، از قبور برآمده، به شهر مقدّس رفتند و بر بسیاری ظاهر شدند.

**54** اما یوزباشی و رفقاییش که عیسی را نگاهبانی می‌کردند، چون زلزله و این وقایع را دیدند، بی‌نهایت ترسان شده، گفتند، فی‌الواقع این شخص پسر خدا بود.

**55** و در آنجا زنان بسیاری که از جلیل در عقب عیسی آمده بودند تا او را خدمت کنند، از دور نظاره می‌کردند،

**56** که از آن جمله، مریم مَجْدَلِيَّة بود و مریم مادر یعقوب و یوشاء و مادر پسران زبّدی.